

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۰۳/۱۳

مهران علی‌الحسابی^۱، عصمت پای‌کن^۲

بازشناسی اثر آیین‌های عاشورایی بر شهر ایرانی

بررسی موردی: شهر لاهیجان^۳

چکیده

آیین اجرای داوطلبانه رفتاری است که به‌شکلی سزاوار به‌منظور تأثیرگذاری نمادین یا مشارکت در زندگی جدی طراحی شده است و طیف وسیعی از فعالیت‌های انسانی در جوامع را شامل می‌شود. آیین با دارا بودن سه ویژگی کلان (۱) تکرارپذیری در زمان و مکان مشخص، (۲) برخوردار از ماهیتی نمادین و استعاری و (۳) کنش و فعالیتی اجتماعی، با همه مؤلفه اصلی شهر شامل کالبد، معنا و فعالیت در تعامل و ارتباط تنگاتنگ است. در نتیجه آیین را می‌توان پدیده‌ای فضایی و به تبع آن پدیده‌ای شهری دانست. در پژوهش حاضر با استفاده از روشی تحلیلی و پیمایشی و در قالب مطالعه‌ای کیفی به بررسی نحوه تعامل شهر و آیین‌های عاشورایی پرداخته شد. بررسی انجام شده در قالب مهل مفهومی به‌دست آمده حاکی از آن است که از بعد کالبد، آیین‌های جمعی سبب ایجاد عناصر و فضاهایی خاص گردیده و یا به آنها شکل داده است و اجرای آن در سازمان فضایی شهر در گذشته انسجام کالبدی فضایی شهر را به‌دنبال داشته است. از بعد معنا، آیین‌های جمعی سبب ایجاد فضاهایی خاطره‌انگیز، بامعنا و نمادین گردیده و در هویت‌بخشی به فضاها و حس تعلق به آنها اثرگذار بوده است. از بعد فعالیتی، افزایش حضورپذیری، آزادی در فعالیت، ایجاد یک قلمرو همگانی و مردمی بودن را می‌توان مهمترین وجوه رفتارهای آیینی در شهر لاهیجان دانست که تقویت محله‌محوری، مشارکت و وحدت جمعی در ایام خاص را موجب می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: آیین‌های جمعی، کالبد شهر، معنا، فعالیت، آیین‌های عاشورایی، لاهیجان.

^۱ استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)

E-mail: Alalhesabi@arch.iust.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران، استان تهران، شهر تهران

E-mail: Paikan.Esmat@gmail.com

^۳ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد عصمت پای‌کن با عنوان «نقش آیین‌های جمعی در شهر و کاربست آن در تهیه چارچوب طراحی شهری (مطالعه موردی: آیین‌های عاشورایی در شهر لاهیجان)» به راهنمایی دکتر مهران علی‌الحسابی در دانشگاه علم و صنعت ایران است.

مقدمه

آیین‌های جمعی در باورها و هویت اجتماعی مردم ریشه دارند و برگزاری آنها به‌شکلی خودانگیخته از سوی افراد جامعه صورت می‌پذیرد، از این‌روی جزئی از سنت به‌شمار می‌آیند و در جامعه ما که عمدتاً جامعه‌ای سنتی است، از جایگاهی خاص برخوردارند. همچنین عاشورا در فرهنگ مذهبی شیعه جایگاهی ویژه دارد و زمینه‌ساز مجموعه‌ای از مراسمی است که به‌عنوان میراثی در بین تمامی نسل‌ها اجرا می‌گردد و به‌تدریج کارکردهای اجتماعی متنوعی یافته، خود را وارد فرهنگ عامه ساخته و جزئی از آن شده است. آیین‌های عاشورایی تحت تأثیر دو منشأ واقع کربلا و آیین‌ها و مراسم حوزه فرهنگی سرزمین ایران شکل می‌گیرد و به‌دلیل قدمت، گستردگی، تنوع و تداول، پویایی و تأثیرگذاری فرازمانی و فرامکانی مراسم و همچنین پیوند با نظام اعتقادات دینی در ایمان ابراهیمی همواره زنده و پویا مانده است.

از سوی دیگر در شهرهای سنتی ایران کالبد شهر و نیز فضای شهری با ایجاد مؤلفه‌ها و حضور عناصری که از نظر آیینی برای ساکنان حائز معنایی خاص بودند، شکل می‌گرفت و به‌دلیل پیوند با ریشه‌های فرهنگی و مذهبی از نظر عملکردی نیز نقش خود را به‌خوبی ایفا می‌کرد. امروزه کم‌توجهی به نقش و کارکرد غیرقابل‌انکار این دسته از حرکت‌ها مسائل و مشکلات جدی را موجب گشته است. در نتیجه لزوم بازشناسی و به‌کارگیری صحیح این عناصر و مؤلفه‌ها در سازمان فضایی-کالبدی شهر و طراحی فضاهای آن به‌منظور ایجاد مکان‌هایی که در ساخت آنها هم به عینیات و هم به ذهنیات توجه شود، مشهود است.

روش تحقیق

در بخش مطالعات نظری پژوهش، از یک‌سو به‌منظور دستیابی به ویژگی‌های اصلی آیین‌های جمعی به بررسی مفاهیم و تعاریف موجود از آنها پرداخته شد. از سوی دیگر در حوزه شهرسازی با بررسی نظریات اندیشمندان حوزه شهرسازی، هنجارها و معیارهای مطرح شده توسط آنان درخصوص کیفیات محیطی مرتبط با موضوع استخراج گردید. محصول برهم‌نهی مطالعات نظری انجام شده، دستیابی به چارچوبی مفهومی برای بررسی چگونگی اثرگذاری آیین‌های جمعی بر شهر بوده است. در ادامه به بازشناسی اثر آیین‌های عاشورایی بر شهر لاهیجان و بر اساس چارچوب مفهومی به‌دست آمده پرداخته شد.

روش تحقیق در بخش مطالعات نظری توصیفی-تحلیلی و در بررسی نمونه مورد مطالعه پیمایشی و تحلیلی است. در این چارچوب، داده‌های نظری از طریق مطالعات اسنادی منابع موجود به‌دست آمده است. این مطالعات، به‌تبعیت از هدف طرح به بررسی مطالعات انجام شده در مورد موضوع برای پرهیز از دوباره‌کاری، تکمیل مطالعات گذشته و تعیین نمونه مورد مطالعه اختصاص یافته است. بخشی از داده‌های عینی پژوهش از طریق مشاهدات میدانی (به‌خصوص در ایام برگزاری آیین‌ها در ماه محرم سال ۱۳۹۰) و برداشت مستقیم اطلاعات محیطی فراهم شده است که نه‌تنها کالبد فیزیکی شهر، بلکه بازشناسی مراسم، حرکت‌ها و رفتارهای جمعی را نیز شامل می‌شود. بخش دیگر داده‌ها با تهیه و تکمیل دو نوع پرسش‌نامه و همچنین برداشت نقشه‌های ادارکی شهروندان به‌دست آمده است. پاسخ‌دهندگان شامل ۶۰ نفر در قالب دو گروه اصلی بوده‌اند. دسته اول داده‌ها با تکمیل پرسش‌نامه در حین برگزاری آیین‌ها توسط گروه‌های مختلف (شامل شرکت‌کنندگان، ناظران و مسئولان برپایی آیین‌ها، شهروندان، مراجعه‌کنندگان از اطراف و...) و دسته دوم در ایام عادی به‌دست آمده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌های برداشت شده

کیفی بوده و از برخی تکنیک‌های خاص شهرسازی نظیر تحلیل رفتار، تحلیل نقشه‌های شناختی و چیدمان فضا نیز استفاده شده است.

تعاریف، مفاهیم و کارکردهای آیین‌های جمعی و استخراج ویژگی‌های اصلی آنها

الگوی رفتاری، کنش و نمایشی اجتماعی

- کنش نه تنها یک اندیشه: رودنیولر (رودنیولر، ۱۳۸۷، ۶۸-۷۰)
- عملی مبتنی بر تصورات از پیش موجود و همواره اجرا شونده برای دیگران: رودنیولر (رودنیولر، ۱۳۸۷، ۶۸-۷۰)
- توافقی دسته‌جمعی یا شکل اجتماعی یک رفتار با سطح بالای احساسات: کانکار (Kanekar, 1992, 12)
- به‌عنوان شکلی از ارتباط: کانکار (Kanekar, 1992, 11-12)
- عملی همراه با نمایش جسمانی: باکوک (Bocock, 1974)
- متونی ساخته شده توسط فرهنگ: فیشر و مارکوس (رودنیولر، ۱۳۸۷، ۱۷۹)
- عنصری در اطمینان‌بخشی به تداوم ساختارهای اجتماعی: رادکلیف براون (الیاده، ۱۳۸۸، ۱۲۴-۱۲۵)
- ابزاری قدرتمند برای واشکافی لایه‌های تو در تو نمایش اجتماعی: ترنر (Turner, 1984, 82)
- دربردارنده ضرورت‌های اجتماعی عمیق: الیاده (الیاده، ۱۳۷۵)
- اجرای داوطلبانه یک رفتار به شکلی سزاوار: رودنیولر (رودنیولر، ۱۳۸۷، ۶۸-۷۰)
- یادآوری کننده اهمیت گروه به افراد و در نتیجه رفتاری ضروری برای جامعه: کوزر (کوزر، ۱۳۸۷)
- اجرای عمومی، رخدادی ارتباطی و کارکردی: ترنر (Turner)
- مسبب ایقا و احیای میراث اجتماعی گروه: دورکهایم (گیدنز، ۱۳۷۶، ۴۹۳)
- فراهم‌کننده زمینه تقویت و تأیید دوباره پایبندی جامعه به یک رشته ارزش‌ها: دورکهایم (دورکهایم، ۱۳۸۳، ۴۹۸)
- عنصری مؤثر در حفظ ایستایی و برابری و نیز فرآیندی فعال در جامعه: ماکس گلوکمان، مکتب منچستر (الیاده، ۱۳۸۸، ۱۲۴)
- کنشی داوطلبانه و انتخاب شیوه مشارکت در آن (اجرا کننده آیین یا شاهد آن): رودنیولر (رودنیولر، ۱۳۸۷، ۶۸-۷۰)
- معطوف به گروه و واجد معانی اجتماعی (شیوه‌ای از دلالت بر انجام نیات به طور اجتماعی جهت یافته)

تکرارپذیری یک رویداد در زمان و مکانی مشخص

- احیاء و تجلی خاطرات پیوند خورده با یک رویداد، شخص یا مکان خاص: کانکار (Kanekar, 1992, 11)
- بازآفرینی خاطرات جمعی: کانکار (Kanekar, 1992-12)
- تکرار واقعه‌ای قدسی در زمان گذشته و تحقق بخشیدن به حضور دوباره آن در زمان کنونی: الیاده (الیاده، ۱۳۷۲، ۸۲)
- احیاءکننده خاطرات و ارتباط دهنده اکنون به قرآنتی خاص از گذشته: مری داگلاس (Douglas, 1968, 479)
- رفتاری به‌طور مرتب تکرار شونده، نه به دلیل موقعیت ویژه امور بلکه به‌واسطه واقعیت‌ها: رودنیولر (رودنیولر، ۱۳۸۷، ۶۸-۷۰)
- انتقال ارزش‌های پایدار به نسل‌های آینده
- علامت‌گذاری جامعه از نظر فضا و زمان با قاب‌بندی لحظه‌ها: رودنیولر (رودنیولر، ۱۳۸۷، ۱۸۳)
- پیوند دهنده زمان حال به زمان اساطیری: الیاده (الیاده، ۱۳۷۲، ۸۲)
- تکرار واقعه در فواصل زمانی منظم: الیاده (الیاده، ۱۳۸۸، ۱۲۵)

برخوردار از ماهیتی نمادین و استعاری

- کنشی بسیار نمادین: غراب (غراب، ۱۳۸۳)
- رابط میان امر مقدس و نامقدس: کانکار (Kanekar, 1992, 11)
- تکرار نمادین عملی ازلی: الیاده (الیاده، ۱۳۸۸، ۱۲۴-۱۲۵)
- دربردارنده معانی دینی مقدس و مبانی اعتقادی عمیق: دورکهایم (Durkheim, 1956)
- عملی مرتبط با نمادها: باکوک (Bocock, 1974)
- علامت‌گذاری جامعه از نظر فضا و زمان: رودنیولر (رودنیولر، ۱۳۸۷، ۶۸-۷۰)
- قرآنت به نیت معنا بخشی به تجربیات: فیشر و مارکوس (رودنیولر، ۱۳۸۷، ۱۷۹)
- نشان‌دهنده واقعیتی مقدس در عمل: الیاده (الیاده، ۱۳۷۵)
- خلق زمان و مکانی مقدس: الیاده (الیاده، ۱۳۷۵)
- تأثیرگذاری نمادین در زندگی جدی و بیان نمادین نظم‌های اجتماعی: رودنیولر (رودنیولر، ۱۳۸۷، ۶۸-۷۰)
- وسیله تجسم و تجدد عینیت بخشیدن به اعتقادات و ایدئولوژی‌ها: دورکهایم (Durkheim, 1956)
- نمادهای آیینی وسیله‌ای برای تشریح و تجربه وقایع: لیچ و داگلاس (الیاده، ۱۳۸۸، ۱۲۴-۱۲۵)
- آشکارکننده عمیق‌ترین و درونی‌ترین ارزش‌های فرهنگی: ترنر (Turner, 1966)

شکل ۱. ویژگی‌های اصلی آیین‌های جمعی بر اساس نظریات موجود در حوزه عام، با ذکر منابع مورد استناد

منبع: نگارندگان

مطالعات آیین‌های جمعی در حوزه شهرسازی

رویکردهای جدید مطالعات آیینی بر خلاف مطالعات کلاسیک، کارکردگرایانه و نمادگرا بر این عقیده‌اند که در آیین، تحرک و فعالیت فیزیکی و در نتیجه وجوه فضایی ارجح است و بنابراین رابطه میان آیین و فضا می‌تواند از دو منظر دیده شود. از منظر اول آیین‌ها به فضا و مکان مربوط می‌شوند و از منظر دوم آیین به‌عنوان پدیده‌ای فضایی مورد توجه قرار می‌گیرد. منظر دوم آیین را به‌طور بنیادی پدیده فضایی وابسته به تحرک فیزیکی در میان فضا تشریح می‌کند (Parkin, 1992; مسعودی‌نژاد، ۱۳۸۸). بنابراین اولاً آیین به‌مثابه یک فعالیت اجتماعی نه‌تنها نیازمند فضا است، بلکه در ارتباط تنگاتنگ با آن بوده، بر آن تأثیر گذاشته و از آن تأثیر می‌پذیرد و حتی به خلق فضا منجر می‌شود. دوم آنکه آیین به‌مثابه یک پدیده فرهنگی و اجتماعی قابلیت حمل روابط اجتماعی و فرهنگی را داراست و از آنجا که شهر نوع خاصی از سازمان‌یافتگی زندگی اجتماعی در انطباق با فضا تلقی می‌شود و به‌عنوان یک فضای کالبدی در ارتباط مستقیم با فضای اجتماعی است در نتیجه آیین را می‌توان یک پدیده فضایی و به‌تبع آن پدیده‌ای شهری دانست.

مطالعات موجود نشان می‌دهد که آیین‌های جمعی همواره در طول تاریخ در پیوند با شهر و فضاهای آن قرار داشته‌اند. از آن جمله می‌توان به جاده جشن آتنا در شهر آتن به‌عنوان ستون فقرات شهر و درون‌مایه توسعه اصلی آتن (Egli, 1959, 171; Parke, 1977, 22; بیکن، ۱۳۸۶، ۶۴-۶۷)، کارناوال باستانی شهر رم و تأثیر آن بر شکل‌گیری سازمان فضایی شهر و ایجاد عناصر آیینی به‌عنوان نشانه‌های اصلی شهر (Kanekar, 1992, 31-42; موریس، ۱۳۸۵، ۱۹۶-۱۹۰)، مراسم پالیو در شهر سی‌نا و تأثیر آن بر هویت شهری و سازمان‌یابی میدان اصلی شهر و ایجاد جاذبه‌های گردشگری فرهنگی، (Jackson, 2006, 137-146; Burchhardt, 1960, 22-28; Bornberg, 2007, 43-54)، Drechsler, 2006, 120-124) و آیین‌های مذهبی شهر بختایور نپال و تأثیر آن در ایجاد مکان‌های شهری، یکپارچگی فضایی آن و القای معانی ویژه در شهر (Kanekar, 1992, 87-96; Gutschow, 1980, 4-17) اشاره نمود. در ایران نیز مطالعات انجام شده بر شهرهای سمنان (امین‌زاده، ۱۳۸۶)، زنجان (حبیبی، ۱۳۸۸) و روستای هنجن (نقی‌زاده، ۱۳۸۲) نشان‌دهنده نقش آیین‌های عاشورایی بر پیدایش و سازمان‌یابی برخی عناصر و فضاهای خاص و نقش هویتی آنها در شهر بوده است.

چارچوب مفهومی تعامل شهر و آیین‌های جمعی

دستیابی به‌نحوه تعامل آیین‌های جمعی با شهر و کیفیت‌های محیطی مطرح در آن در قالب مدلی مفهومی نیازمند بررسی نظریات اندیشمندان حوزه شهرسازی و استخراج هنجارها و معیارهای مطرح شده توسط آنان در زمینه کیفیات محیطی مرتبط با موضوع است.

کامیلوزیته درصد بازگشت به‌شیوه‌های هنری قرون وسطی و ایجاد فضاهای غنی از هنر و زندگی (طراحی غنی) بوده است (زیت، ۱۳۸۵). لوئیس مامفورد به‌تعریف شهر به‌عنوان یک نهاد اجتماعی و بستر فرهنگ‌سازی و نمایشی از فعالیت‌های اجتماعی پرداخته و به ابعاد تاریخی و فرهنگی شهر و شاخصه‌های کیفی و انسانی آن توجه داشته است (هویت‌بخشی، منحصر به‌فردیت، سرزندگی و فعالیت) (مشکلانی، ۱۳۹۰). دستیابی به مفاهیم و ارزش‌های انسانی از طریق نمادگرایی و ایجاد ارتباط میان محیط فیزیکی و دنیای ماوراءالطبیعه بخشی از نظریات کنزو تانگه است (نمادین بودن، پیوستگی کالبدی و اجتماعی) (پاکزاد، ۱۳۸۹). آلدوفان آیک به لایه‌های تاریخی و گذشته در طراحی توجه داشته و در تعریف شهر به‌عنوان بستر رویدادهای پی‌درپی از دو واژه «مکان» و «رویداد» به‌جای «فضا» و «زمان» استفاده نموده است (هماهنگی با زمینه،

خاطره‌انگیزی، حس مکان، حس زمان) (پاکزاد، ۱۳۸۹). کوین لینچ ارتباط شهروندان با تجربیات، معانی و خاطرات خود در شهر و اهمیت انسان و فعالیت‌هایش را بیش از عناصر کالبدی مد نظر داشته و در تعریف «شهر خوب» به استفاده از تداوم فرهنگی و پیوند زمانی و مکانی با محیط پرداخته است (پویایی و ماندگاری، نقش‌انگیزی ذهنی، پیوستگی زمان و مکان، سازگاری (انطباق فرم و فعالیت)) (لینچ، ۱۳۸۱، ۱۳۷۴).

از نظر لارنس هالپرن شهر دستاورد هنر خلاقانه‌ای از اجتماع و نیازمند حضور پیوسته و پرانرژی تمام شهروندان است. وی شهر را به‌مثابه مجموعه پیچیده‌ای از رویدادها و خارج از هرگونه برنامه از پیش تعیین شده معرفی نموده و به تجربه فضایی انسان‌ها و نقش مردم و حرکت‌های آنها در ماندگاری شهر توجه داشته است (مشارکت و تجربه جمعی، انطباق با رویدادها و تجربه‌ها، تداوم کالبدی، تعامل انسان با کالبد، تجمع‌پذیری) (Halprin, 1972؛ حبیب، ۱۳۸۸؛ پاکزاد، ۱۳۸۹). ادوارد هال بر فرهنگ به‌عنوان بعدی بسیار مهم از زندگی اجتماعی و تأثیرگذار در پیدایش سکونتگاه‌ها تأکید دارد (انطباق با نیازها، شهروندمداری) (هال، ۱۳۷۶). آلدروسی شهر را دستاورد ناخودآگاه جمعی و صحنه فعالیت و سرشار از عواطف و احساسات چندین نسل دانسته و بر نقش عوامل فرهنگی در شکل‌گیری ساختار شهر تأکیدی خاص داشته است. وی به‌طور خاص به آیین‌های جمعی اشاره نموده و آن را عامل پویای احیای خاطرات گذشته دانسته است. از نظر او شهر صحنه رخداد فعالیت‌های انسانی و هر رویدادی است که دارای خاطره از گذشته بوده و یا خاصیت بالقوه خاطره شدن داشته باشد (تداوم زمانی، تداوم کالبدی، خاطره‌انگیزی، تعامل اجتماعی، جمعی‌بودن) (پاکزاد، ۱۳۸۹؛ Kanekar, 1992). تأکید ادوموند بیکن بر نقش طراح شهری در فراهم کردن زمینه‌ای درخور به‌منظور هماهنگی تجربه زندگی، به‌معنای تجربه فضاهای در پیوند با هم و در ظرف زمان بوده است. زیرا معماری «بیان‌کننده فضا» و ایجادکننده تجربه‌ای معین از فضا در شرکت‌کننده در پیوند با تجارب پیشین و آتی اوست. او به‌وجود نیروهای پیوند دهنده کل شهر و عامل وحدت فرم در شهرهای قدیمی از جمله «نظام‌های حرکتی» جشن آتنا در آتن اشاره نموده است (انطباق با رویدادها و تجربه‌ها، تداوم کالبدی، تداوم زمانی، تعامل انسان با محیط، انطباق با نیازها، تعامل اجتماعی) (بیکن، ۱۳۸۶). از نظر ملوین وبر شهر اصلی‌ترین مکان تولید و توزیع عقاید و در نتیجه مرکز رشد فرهنگ است (آزادی، رشد فرهنگ) (مشکلانی، ۱۳۹۰). توجه به فرهنگ به‌عنوان عاملی مهم در شکل‌دهی به سامانه‌های فعالیتی انسان‌ها و در پی آن سکونتگاه‌ها (فرم شهر بازتابی از قواعد شکل یافته توسط فرهنگ) در نظرات آموس راپاپورت نیز به‌شدت محسوس است. وی مذهب را به‌عنوان منشأ عملکردهای انتظام‌بخش مجتمع‌های زیستی دانسته است. به‌عبارت دیگر عمل نظم‌دهی خود سمبلیک بوده و مذهب و مقدسات در تمامی فرهنگ‌های زیستی که شهرها و مراکز سکونتی از آنجا آغاز شده نقش مرکزی داشته است (انطباق فرم با فعالیت و فرهنگ، نمادین بودن، انتظام‌گیرنده توسط مذهب و فرهنگ) (راپاپورت، ۱۳۶۶). نوربرگ شولتز شهر را مکانی برای دیدار و تعامل اجتماعی و سرشار از تنوع و گوناگونی و ایجاد فرصت دیدار و گزینش برای آدمیان و در نتیجه عرضه‌کننده گونه‌ای حس تعلق در آنان دانسته است. از نظر وی فضای شهری به‌عنوان صحنه سکونت جمعی و عرصه گردآوری انسان‌ها به‌رغم اختلافاتشان است. وی بر توانایی شهر در تأکید بر نقش و میزان مشارکت انسان در هویت‌بخشی به مکان به‌عنوان عاملی در ایجاد هویت فردی اشاره داشته است. (تنوع و گوناگونی، تجمع‌پذیری، حس تعلق، مشارکت و رفتار جمعی در شهر، هویت بخشی) (شولتز، ۱۳۸۱، ۱۳۸۴، ۱۳۸۶).

تعریف فضای وجودی به‌معنای تجربه‌ای از فضا توسط فرد عضو یک گروه فرهنگی،

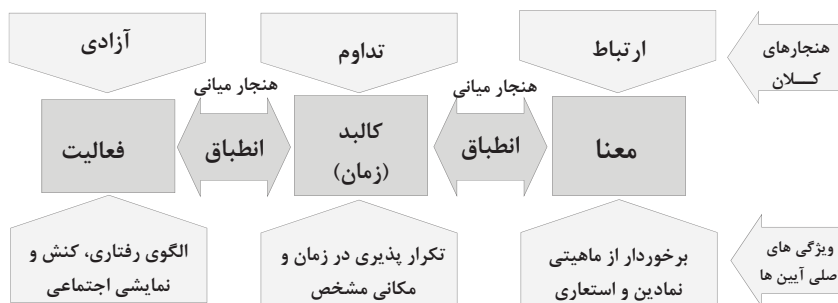
تقسیم‌بندی فضای وجودی به دو فضای «جغرافیایی» و «مقدس» و تشریح فضای مقدس به‌عنوان فضایی سرشار از نشانه‌ها و اشیای بامعنا و بیانگر نگرش اعضای عضو آن فرهنگ به دنیای پیرامونشان و در قالب تجربه‌ها و معانی مقدس از نظرات ادوارد رلف است. تأکید وی بر رابطه اجتماع و مکان به‌حدی است که شناخت مکان‌ها را بر پایه اعمال و فعالیت‌های مشترک و همچنین اشتراک در نشانه‌ها و معناها همگانی شناخته شده می‌داند. از نظر وی مکان مرکز گردآورنده تجربه‌های انسان از رویدادهای پرمعنا و وجودش در دنیا و وابسته به فرهنگ و مردم با علایق و تجارب متنوع و دیدگاه‌های مختلفشان است. وی همچنین بر نقش آیین‌ها و سنت‌ها در ایجاد حس ماندگاری و تأکید بر مرگ مکان در صورت از بین رفتن این سنت‌ها و آیین‌ها به‌طور مستقیم اشاره داشته است (معنا دهنده‌گی به محیط، انطباق با رویدادها و تجربه‌ها، نمادین بودن، ماندگاری و پویایی، ارتباط مکان و تعاملات جمعی، ارتباط مکان و باورها و نیت‌های انسانی) (پاکزاد، ۱۳۸۹). تعیین موضوع‌های مطرح در طراحی با اولویت «نخست زندگی، بعد فضا و سپس ساختمان‌ها» یعنی تأکید بر لزوم حضور و مشارکت دیگر شهروندان در ایجاد فعالیت‌های اجتماعی را می‌توان در نظرات یان‌گل مشاهده نمود. وی فعالیت‌های اجتماعی را دستاورد «کیفیت» و «طول مدت وقوع» آن می‌داند (مشارکت جمعی در فضا، پویایی فضا، امکان زندگی اجتماعی) (گل، ۱۳۸۷). کریستوفر الکساندر نیز هویت هر مکان را حاصل تکرار پی‌درپی الگوهای ویژه از رویدادها در آن مکان می‌داند. از نظر وی روح هر فضا و همه ادراک انسان در فضا نه تنها به محیط کالبدی آن بلکه به الگوی رویدادهایی بستگی دارد که در آنجا رخ می‌دهد و هر فرهنگ همواره الگوهای رویدادی خود را با نام عناصر کالبدی فضا، آنگونه که در آن فرهنگ متداول شده است، مشخص می‌کند (هویت‌بخشی متأثر از رویدادها، ارتباط کالبد و فرهنگ، حس مکان) (الکساندر، ۱۳۸۱).

| هنجارهای هم‌بسته اول | هنجارهای هم‌بسته دوم | هنجارهای هم‌بسته سوم | هنجارهای هم‌بسته چهارم |
|--|---|---|--|
| <ul style="list-style-type: none"> هم‌اهنگی با زمینه حس مکان حس زمان پویایی و ماندگاری پیوستگی زمان و مکان ارتباط کالبد و فرهنگ تداوم کالبدی تداوم زمانی | <ul style="list-style-type: none"> هویت بخشی نمادین بودن خاطره انگیزی نقش‌انگیزی ذهنی هویت‌بخشی متأثر از رویدادها ارتباط مکان و باورهای انسانی معنادهنده‌گی به محیط حس تعلق رشد فرهنگ انتظام‌گیرنده توسط مذهب و فرهنگ | <ul style="list-style-type: none"> سرزندگی و فعالیت شهروندمداری تجمع‌پذیری امکان زندگی اجتماعی مشارکت جمعی در فضا مشارکت و تجربه جمعی تنوع و گوناگونی تعامل اجتماعی جمعی بودن پیوستگی کالبدی-اجتماعی سازگاری پویایی فضا | <ul style="list-style-type: none"> انطباق با نیازها انطباق با رویدادها و تجربه‌ها ارتباط مکان و تعاملات جمعی ارتباط مکان و باورها و نیت‌های انسانی انطباق فرم با فعالیت و فرهنگ تعامل انسان با کالبد |
| تداوم | ارتباط | آزادی | انطباق |

شکل ۲. استخراج معیارهای کلان حوزه شهرسازی در ارتباط با موضوع

منبع: نگارندگان

هنجارها و معیارهای مطرح شده توسط اندیشمندان حوزه شهرسازی در مورد کیفیات محیطی مرتبط با موضوع را می‌توان در چند دسته جای داد. روی‌هم‌نهی هنجارهای کلان به‌دست‌آمده از نظریه‌های شهرسازی و ویژگی‌های اصلی آیین‌های جمعی نشان می‌دهد که آیین‌های جمعی از طریق سه کلان هنجار «ارتباط»، «تداوم» و «آزادی» به‌ترتیب با سه بعد اصلی شهر یعنی «معنا»، «کالبد» و «فعالیت» پیوند می‌یابند. معیار «انطباق» نیز به‌عنوان یک هنجار میانی در بین هر سه بعد عمل می‌نماید.



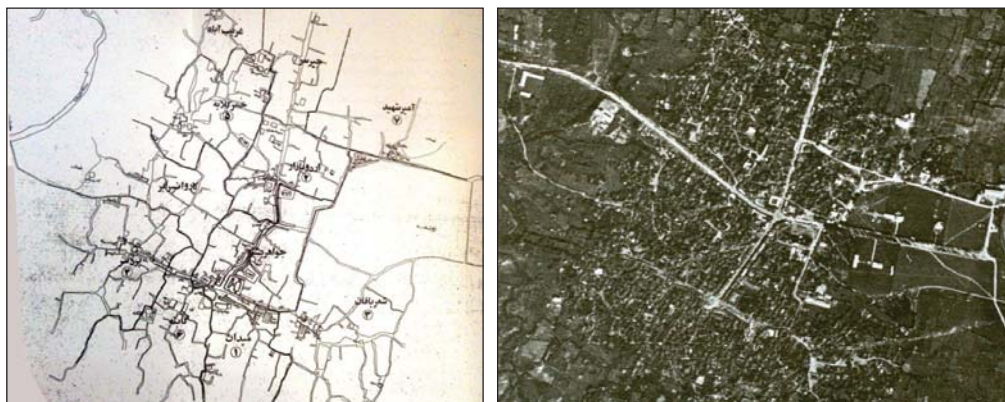
شکل ۳. چارچوب مفهومی برای بررسی نحوه تعامل شهر و آیین‌های جمعی

منبع: نگارندگان

آشنایی با عرصه تحقیق

شهر لاهیجان در دوره اسلامی تاریخ ایران به‌عنوان پایگاه تشیع، همواره سهم به‌سزایی در اشاعه آن داشته است و به‌دلیل موقعیت مذهبی این شهر در دوره صفویه آن را بانی و تقویت‌کننده شیعه در ایران دانسته‌اند. وجود بقاع متعدد علویان که نسبشان به امامان شیعه نسبت داده شده مؤید این نکته است (ادیب عباسی، ۱۳۸۲). یکی از مهمترین ویژگی‌های شهر وجود آیین‌های متعدد و متمایز مذهبی است که در این بین آیین‌های عاشورایی پیشینه‌ای بس طولانی دارد و از مهمترین آنها باید به تکیه‌آرایی، علم‌بندی، دسته‌گردانی، آیین چهل‌منبر، هفت‌کلکه، کرب‌زنی، کرناوازی، شام‌غریبان و تعزیه‌خوانی اشاره نمود (قربانی، ۱۳۷۵؛ دریاگشت، ۱۳۷۹).

هسته اولیه شهر لاهیجان در دوره ساسانی شکل می‌گیرد. در دوره اسلامی نیروی عمده تشکیل‌دهنده شهر مذهب بوده است، اما گسترش و شکل‌گیری کالبد اصلی شهر مربوط به دوره صفویه است. در دوره قاجار رشد چشمگیری در بافت شهر به‌وجود می‌آید و سه نیروی مذهب، حکومت و اقتصاد از عوامل تأثیرگذار بر ساختار شهر می‌شوند. در این دوره نظام محله‌ای در شهر شکل گرفته و به‌موازات آن مراکز هفت‌گانه شهر دارای کلیه تجهیزات خدماتی همچون مدرسه، حمام و بازارچه می‌شود و مسجد نیز به‌عنوان جزء لاینفک آن با طرحی منحصر به‌فرد و تک‌مناره‌ای به‌عنوان عنصری شاخص عمل می‌نماید. مرکز محلات در شهر به‌صورت میدانچه، فضایی مأنوس را به‌وجود می‌آورند که علاوه بر جوابگویی به نیازهای مادی، محل تعاملات ساکنان محله است (مهندسین مشاور بعد تکنیک، ۱۳۸۷). در دوران پهلوی شهرسازی مدرن و خیابان‌کشی‌های وسیع، بافت کهن محلات را در چند نقطه از هم گسسته کرده و توسعه نوین و جذابیت‌های کاذب این حوزه امکان ماندگاری و کارکرد منطقی را از بخش قدیمی شهر می‌گیرد (نصیری کامران، ۱۳۸۷)



شکل ۴. نقشه شهر لاهیجان در دوره قاجار و عکس هوایی شهر در سال ۱۳۳۵
منبع: سازمان جغرافیایی کشور

نوع حرکت و بستر آیین‌های عاشورایی در شهر لاهیجان

به‌منظور بررسی انواع آیین‌های عاشورایی و فضاهایی که بستر اجرای این دسته از رفتارهاست از یک‌سو از مطالعات اسناتی و از سوی دیگر از ابزارهای برداشت میدانی و نیز مصاحبه با ساکنان شهر بهره گرفته شد. مصاحبه با ساکنان محلات قدیم که عموماً بالای ۶۰ سال داشتند و به‌نحوی با هیئت امنای تکایا و دسته‌جات عزاداری مرتبط بودند، انجام شد و فضاهای مورد استفاده برای اجرای آیین در هر مورد در نقشه‌ای که ضمیمه پرسش‌نامه بود، ترسیم گردید.

جدول ۴. انواع حرکت‌های آیینی در محدوده مورد مطالعه

| حرکت نوع اول | حرکت نوع دوم | حرکت نوع سوم | حرکت نوع چهارم |
|--|---|---|---|
| <p>طی هشت شب توسط هشت محله شهر انجام میشود. در آن جمع برگزارکنندگان با شروع حرکت از محله خود هفت مرکز محله دیگر را مقصد قرار داده و دوباره به محله خود باز می‌گردند. این حرکت، حرکتی چرخشی بوده و بجز حرکت شب آخر، هفت حرکت دیگر جهتی ثابت و پادساعتگرد دارند.</p> | <p>تنها مختص روز عاشورا میباشد، گرایشی مستقیم دارد. در این حرکت کلیه دستهای جمعی خود را به محله میدان رسانده و از آنجا تا ظهر عاشورا خود را به بقعه آسید محمد میرسانند.</p> | <p>معمولاً حرکتی انفرادی مربوط به آیین چهلم‌نبراست که در شب عاشورا اجرا میشود. طی این مراسم کوچیها و معابر قدیمی محلات میدان، گابنه، بردسر و خومرکلايه برای چند ساعته شکل دیگر به خود میگیرند و اجراکنندگان آن مسیرهایی در این محدوده را به انتخاب خود برای روشن نمودن چهل شمع طی مینمایند.</p> | <p>مربوط به آیین هفتکلکه در شب عاشورا و آیین زاری زاری قبل از سیده صبح عاشورا است که در آن افراد به‌صورت انفرادی مسیرهایی مشخصی را با پای برهنه برای زیارت هفت بقعه مقدس شهر از میان دوازده بقعه موجود طی مینمایند. مسیر کلی حرکت تا اندازه‌های منطبق بر حرکت نوع اول میباشد.</p> |
| | | | |
| | | | |

منبع: نگارندگان

آیین‌های جمعی و نظام کالبدی محدوده

تأثیر آیین‌های جمعی بر کالبد شهر لاهیجان با چنین فرضیه‌ای بررسی شد که اگر در پیکره شهر عناصر و فضاهایی با کارکردی خاص وجود داشته باشد که تحت تأثیر آیین‌های جمعی شکل گرفته باشند و اگر نحوه ارتباط آنها با یکدیگر و گذرهای اصلی شهر به نحوی تنظیم شود که در انطباق با گرایش کلی مسیر حرکت‌های آیینی باشد و یا از آن تبعیت نماید، آنگاه می‌توان به تأثیر آیین‌های جمعی بر سازمان فضایی شهر پی برد. بر این اساس به بررسی سه مؤلفه در شهر پرداخته شد: فضاهای ایستا و پویای آیین؛ مسیرهای حرکتی؛ و نقاط عطف

فضاهای ایستا و پویای آیین‌های جمعی

برداشت‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که مراکز محلات به‌عنوان اصلی‌ترین فضاهای ایستای برگزار آیین‌ها در شهر ایفای نقش می‌نمایند. مروری بر اسناد تاریخی حاکی از آن است که سابقه برپایی آیین‌های عاشورایی در شهر بسیار طولانی بوده و با توجه به رشد کالبدی محلات و شکل‌گیری مراکز آن در دوره قاجاریه، احتمالاً سابقه برپایی مراسم در فضای آن به پیش از ایجاد مراکز محلات باز می‌گردد. همچنین برداشت‌ها نشان می‌دهد که در شهر و روستاهای اطراف، آیین‌های عاشورایی عموماً در کنار بقاع متبرکه انجام می‌شده است. از این رو در شهر لاهیجان نیز پیش از تکامل محلات، فضای مقابل بقاع موجود در شهر محل اجرای آیین‌های عاشورایی بوده است. بنابراین می‌توان چنین استنتاج نمود که به احتمال زیاد وجود بقعه به‌عنوان عنصری مقدس و انجام فعالیت‌های آیینی در جوار آن سبب تشخیص و اهمیت فضا گشته و به تدریج و به موازات رشد محلات، در دوره قاجاریه مراکز محلات حول آن فضا شکل یافته است. از سوی دیگر بررسی عناصر موجود در مراکز محلات نشان می‌دهد که در کنار فضاهای خدماتی و فرهنگی، تکیه جزء لاینفک مرکز محلات شهر بوده است. تکیه عملکردی صرفاً آیینی داشته است و این خود برای اثبات عملکرد آیینی فضا پیش از شکل‌یابی میدانه‌های مراکز محلات کافی است.

جدول ۲. عناصر موجود در مرکز محلات قدیمی و نقش پررنگ عناصر مذهبی-آیینی در آن

| تعداد گذر | تسلط تکیه بر فضا | حمام | دکان | مدرسه | تکیه | بقعه | مسجد | |
|-----------|------------------|-------|-------|-------|------|------|------|-----------|
| ۴ | ✓ | ✓ | ✓ | ✓ | ✓ | ✓ | ✓ | میدان |
| ۲ | ✓ | ✓ | ✓ | - | ✓ | ✓ | ✓ | اردوبازار |
| ۴ | ✓ | ✓ | ✓ | - | ✓ | ✓ | ✓ | خومرکلايه |
| ۴ | - | ✓ | ✓ | ✓ | ✓ | ✓ | ✓ | شعربافان |
| ۴ | ✓ | ✓ | ✓ | - | ✓ | ✓ | ✓ | پردسر |
| ۲ | ✓ | درگذر | درگذر | ✓ | ✓ | ✓ | ✓ | گابنه |
| ۳ | - | - | درگذر | ✓ | ✓ | ✓ | ✓ | آمیر شهید |

منبع: نگارندگان

همچنین تحلیل شکل-زمینه مراکز هفت‌گانه شهر بر اساس اسناد و مدارک موجود، گواهی بر این ادعاست که تکایا به فضای مراکز محلات شکل داده و آن را منسجم و تکمیل نموده‌اند.



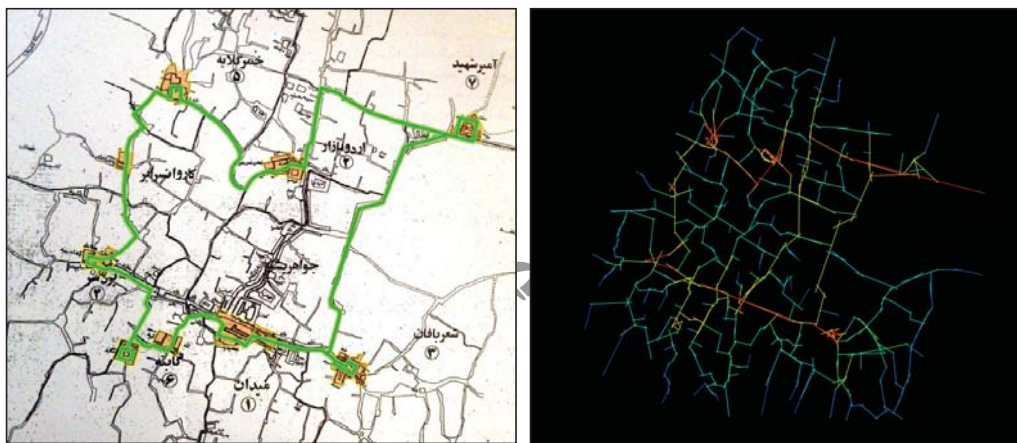
شکل ۵. عناصر آیینی مرکز محلات، شکل کالبدی میدانچه‌ها و نحوه حرکت‌های آیینی در آن
منبع: برداشت از نقشه دوره قاجار و سایر اسناد و عکس هوایی سال ۱۳۳۵

بر خلاف میدان‌های طراحی شده، منتظم و متقارن شهرهای حاشیه کویری کشور، میدان‌ها در شهر لاهیجان به‌شکلی نامتقارن و طراحی نشده وجود دارند و در این میان به‌لحاظ مکانی و بصری، تکیه در مکانی از حاشیه میدان قرار دارد که بر فضای میدان مسلط است. به‌عبارت دیگر تکایا به‌نحوی حول میدانچه مرکز محلات آرایش کالبدی یافته تا فضایی تعریف‌شده و تقریباً منتظم را در مقابل خود فراهم آوردند و بستر مناسبی را برای اجرای آیین‌های جمعی به‌وجود بیاورند. تکیه از نظر فرم کالبدی بنایی عموماً بسته، دارای فضایی نیمه‌باز در مقابل خود و بازشوهای بزرگ رو به میدان است. کاربرد مصالح بومی نظیر چوب و آجر و بام سفالی از ویژگی بارز معماری تکایا است. در مجموع تکیه به‌عنوان مهمترین فضا و عنصر آیینی به فضای شهری مراکز محلات شکل داده، در تلفیق با سایر عناصر مادی مورد نیاز محله، در کنار مسجد و بقاع متبرکه نیازهای معنوی ساکنان را پاسخگو بوده است و علی‌رغم کارکرد موقتی و منحصر به‌فرد خود، به‌دلیل اهمیت و ارزش آن در نظر ساکنان در مجموعه عناصر مرکز محله مکانی ثابت یافته و در مرکزیت بافت واقع شده است و سایر عناصر و بافت مسکونی محله حول این مجموعه سازمان یافته‌اند.

مسیرهای حرکتی آیین‌های جمعی

به منظور پاسخ دادن به این سؤال که آیا ارتباطی میان مسیر حرکت‌های جمعی و ساختار اصلی شهر وجود داشته است یا خیر، از نظریه پیکره‌بندی استفاده گردید. «چیدمان فضا» روشی است

برای درک پیکره‌بندی فضا به‌نحوی که منطق عوامل اجتماعی به‌وجود آورنده آنها نیز قابل تشخیص باشد. نحوه چیدمان فضا در یک شهر تأثیری مستقیم بر نحوه استفاده از فضا دارد. به‌عبارت دیگر نحوه چیدمان و پیکره‌بندی فضا، ساختار اصلی تردد در شهر را شکل می‌دهد و زمانی که مردم از فضاهایی به‌دلیل ویژگی‌های ترتیب فضایی با تراکم بیشتر آنها عبور کنند، سبب تمرکز و انسجام فعالیتی و اجتماعی در آن می‌گردند (عباس‌زادگان، ۱۳۸۱؛ ریسمانچیان، ۱۳۸۹). به‌منظور تحلیل پیکره‌بندی بافت قدیم لاهیجان به‌کمک نرم‌افزار "Depth Map" اقدام به تهیه «نقشه محوری» شهر گردید. نقشه حاصل حاکی از آن است که محدوده مراکز محلات شهر دارای بیشترین هم‌پیوندی با کل شهر هستند و پس از آن برخی از گذرها دارای هم‌پیوندی بالاتری بوده و تفاوت محسوسی با سایر گذرهای شهر دارند که در کل ساختار اصلی تردد شهر را شکل داده‌اند و از این‌رو بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

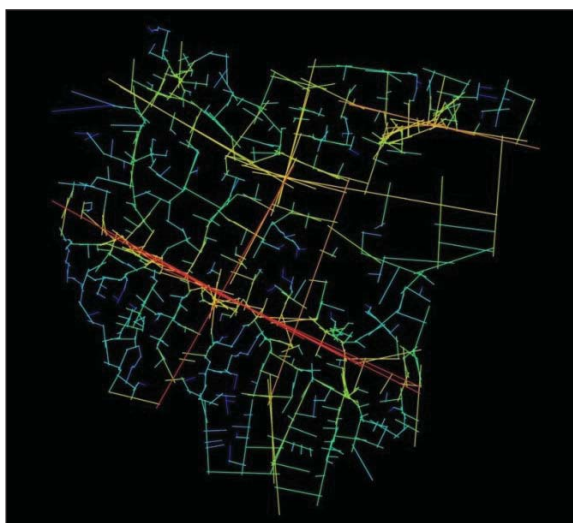


شکل ۶. نقشه محوری و میزان هم‌پیوندی فضایی بافت قدیم لاهیجان و مقایسه آن با مسیر حرکت‌های آیینی شهر
منبع: نگارندگان

مقایسه نقشه تحلیلی به‌دست آمده از پیکره‌بندی فضایی شهر و نقشه مسیر حرکت آیینی‌های جمعی نشان می‌دهد که مسیر حرکت آیینی‌ها دقیقاً منطبق بر مسیرهایی است که بیشترین هم‌پیوندی را داشته است و به‌عبارت دیگر این مسیرها همان گذرهای اصلی و ساختار تردد شکل‌یافته شهر هستند. این مطلب در زمینه بحث فاصله در شهر ارزش خود را بیشتر نشان می‌دهد. بدین معنی که آیین‌ها در مهمترین و خواناترین معابر شهر جاری گشته‌اند نه معابری که صرفاً دو مرکز محله را به یکدیگر متصل نموده و یا اینکه صرفاً کمترین فاصله را داشته باشند. بنابراین اگرچه قبول یا اثبات این موضوع که آیین‌های جمعی سبب ایجاد یا شکل‌دهی به مسیرهای اصلی حرکتی شهر شده‌اند دشوار به‌نظر می‌رسد، اما با توجه به بررسی‌های صورت گرفته به‌راحتی می‌توان پذیرفت که سازمان فضایی که آیین‌های جمعی در آن برگزار می‌شود، کاملاً بر ساختار فضایی اصلی شهر منطبق بوده و آن را تقویت می‌نموده است.

در ادامه وضع موجود شهر نیز مورد تحلیل چیدمان فضایی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که خیابان‌های جدید ارزش هم‌پیوندی سایر فضاهای سنتی درون بافت را به طرف خود کشیدند. گذرهای اصیل تاریخی دارای عمق زیاد و خوانایی اندک شده و به‌صورت فضایی ایزوله درآمدند. زمانی که فضاهای درون بافت، هم‌پیوندی خود را از دست می‌دهند، بسیاری از عملکردهای سنتی آنها از بین رفته و نوعی اضمحلال تاریخی به‌وجود می‌آید.

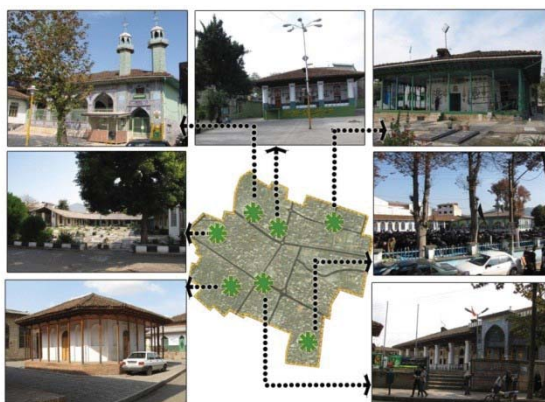
اما در این میان و با توجه به تغییر ارزش فضایی و به تبع آن ارزش و کارکرد اجتماعی فضاهای شهری در لاهیجان (به خصوص گذرهای اصلی شهر) آیین‌های جمعی همواره بر اساس سازمان فضایی پیشین خود اجرا می‌گردند. تغییر در هم‌پیوندی فضایی و فعالیت بافت شهر تأثیری در این حرکت اجتماعی عظیم نداشته است و در نتیجه حرکت‌های جمعی آیینی به‌عنوان تنها فعالیتی در شهر باقی مانده‌اند که همچنان در ساختار قدیم شهر برقرار هستند، هر ساله آن را بازآفرینی نموده و به‌خاطر می‌آورند.



شکل ۷. نقشه محوری و میزان هم‌پیوندی فضاهای شهری بافت قدیم لاهیجان در وضع موجود
منبع: نگارندگان

نقاط عطف آیینی

در شهر لاهیجان حرکت‌های آیینی توسط نقاط عطفی در طی مسیر نشانه‌گذاری می‌گردند که توالی در انجام آیین را به‌دنبال دارند. این نقاط بقاع متبرکه‌ای هستند که در هر محله وجود دارند. حضور آنها در پیوند با سایر عناصر مراکز محلات و اجرای آیین‌هایی نظیر هفت‌کلکه و زاری‌زاری در آنها، اهمیت و تشخیص مکان را بالا می‌برد و پیوند و انسجام فضایی خاصی در شهر به‌وجود می‌آورد.



شکل ۸. بقاع موجود در شهر مسیرهای آیینی را نشانه‌گذاری می‌نمایند
منبع: نگارندگان

آیین‌های جمعی و نظام معنایی محدوده

در بررسی ارتباط بین آیین‌های جمعی و نظام معنایی شهر، سعی شد ادراکات ذهنی مردم برداشت گردد. بدین ترتیب علاوه بر برداشت میدانی رفتار در شهر، نسبت به تهیه پرسش‌نامه اقدام شد تا به روش تحلیلی-اکتشافی بتوان به نتایج مورد نظر دست یافت. در پرسش‌نامه، ابتدا بدون اشاره به موضوع پژوهش سعی شد برخی مفاهیم ادراکی کلان از نظر شهروندان برداشت گردد و بخش دوم پرسش‌نامه شامل سؤالاتی مبتنی بر موضوع پژوهش بود. در پایان نیز نسبت به برداشت نقشه‌های شناختی پرسش‌شوندگان اقدام شد. نتایج حاکی از آن است که آیین‌های عاشرورایی از طریق چند هنجار بر شهر لاهیجان تأثیرگذار هستند که در ادامه تشریح شده است.

خاطره‌انگیزی

یکی از مهمترین معیارهای شکل‌گیری و ثبت خاطرات جمعی در شهر وقوع رویدادهای خاص است. آیین‌های عاشرورایی در لاهیجان از یکسو بر اساس سناریویی خاص و منظم و برگرفته از وقایع تاریخی کربلا انجام می‌شود که اگرچه ناظر بر حادثه‌ای انجام شده و به پایان رسیده است، اما دارای این قدرت است که خود حادثه تاریخی را برای مردم امروز دوباره زنده نماید. از سوی دیگر این خاصیت وقتی در مکان‌هایی صورت می‌گیرد که بارها شاهد این حادثه بوده و همواره با همان هندسه مکانی و زمانی از سال‌های پیش برجای بوده است، قدرت زنده کردن تاریخ یک جمع که وجه مهم و پرارزش خاطره جمعی آنان است را پیدا می‌کند. مراکز محلات در شهر لاهیجان از چنین کیفیتی برخوردار هستند. پاسخ شهروندان به این سؤال که «چه نوع فعالیت‌هایی در میدان‌های محلات انجام می‌شود؟» دارای محتوا و مضامینی مشترک و معطوف به آن بود که فقط در ایام محرم مراسم عظیمی به نمایش درمی‌آید یا در این ایام حال و هوایی دیگر به خود می‌گیرد. همچنین در پاسخ به اینکه «آیا محلات قدیمی شهر و فضاهای آن خاطره‌ای را برای شما زنده می‌نمایند؟» در صورت مثبت بودن پاسخ، به اجرای آیین‌های عاشرورایی در میدان‌های محلات و آیین چهل‌منبر در کوچه پس‌کوچه‌های شهر اشاره شده است. وجود چنین پاسخ‌هایی در بخش اول پرسش‌نامه از نگاهی ویژه به برپایی آیین‌ها در فضای میدان‌های محلات حکایت دارد که در پس‌زمینه ذهنی افراد نقش بسته و آن را به خاطر می‌آورند. از سوی دیگر مرکز محلات شهر لاهیجان در گذشته فضایی تک‌عملکردی نبوده است و فضایی که بستر مناسب برای وقوع رویدادهای گوناگون و تعاملات اجتماعی باشد، پتانسیل بیشتری برای انباشت لایه‌های مختلف خاطرات جمعی خواهد داشت. تکرار سالانه آیین‌های عاشرورایی پیوند یافته با اعتقادات فردی در تلفیق با سایر عملکردهای مراکز محلات و در کنار حضور عناصری خاطره‌انگیز حول میدان‌های محلات بر ضخامت حافظه جمعی ساکنان محله می‌افزاید.

هویت‌بخشی

هویت مجموعه‌ای از صفات و مشخصاتی است که باعث تشخیص یک فرد یا اجتماع از افراد و جوامع دیگر می‌گردد. هویت در فضا از تکرار مستمر الگوی خاصی از رویدادهایی که در آن مکان اتفاق می‌افتد به وجود می‌آید (الکساندر، ۱۳۸۶). اجرای آیین‌ها در مراکز محلات و فضای مقابل بقاع در شهر بی‌تردید زمینه‌ساز هویت‌بخشی به فضاهای شهر است. از سوی دیگر هر مرکز محله شهر از عناصر کالبدی خاص نظیر تکایا و بقعه‌هایی برخوردار است که خود سرشار از بار معنایی و معنوی وسیع برای ساکنان محله است. تلفیق عناصر کالبدی هویت‌بخش در کنار وجود

رویداد و واقعه‌ای تکرارپذیر و خاطره‌انگیز سبب تقویت هویت مراکز محلات در ذهن ساکنان محله شده است.

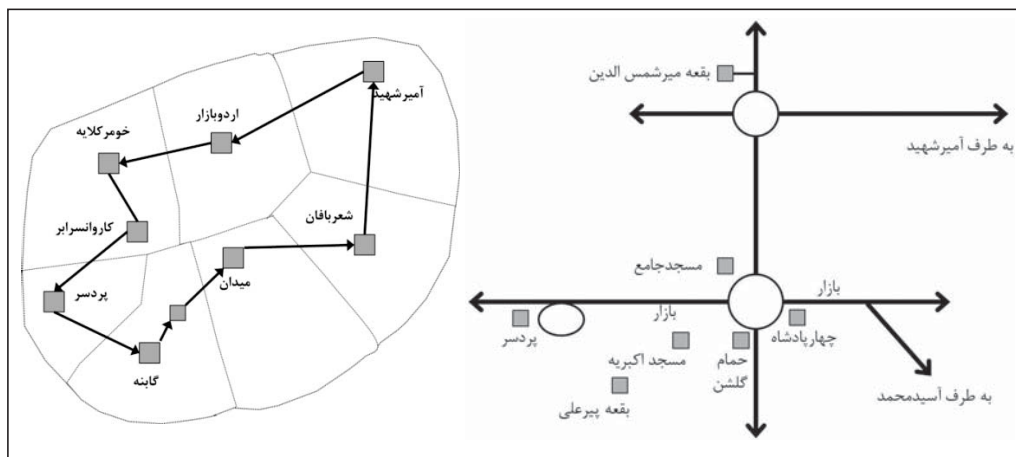
هنگامی که از مردم خواسته شد محلات قدیمی شهر را نام ببرند، بدون کوچک‌ترین اشتباهی قادر به بیان آنها بوده‌اند و وقتی از آنان پرسیده شد که «آیا ارتباط خاصی بین محلات وجود دارد؟» و «آیا محلات ویژگی خاص اجتماعی یا فرهنگی دارند که آنها را از یکدیگر متمایز نماید؟» بسیاری از پاسخ‌دهندگان در بیان وجوه تمایز میان محلات به آیین‌های عاشورایی اشاره نمودند. آنها آیین کربزنی را ویژگی خاص محله شعرباقان، شکوه برگزاری آیین‌ها با عناصر و نمادهای خاص (حمل کاروان شتر، کرنانوازی و...) را ویژگی محله میدان و علم‌ها و چلچراغ‌های باشکوه را مختص محله گابنه برشمردند. چنین پاسخی در سؤالات بخش اول پرسش‌نامه که در آن هیچ اشاره‌ای به موضوع پژوهش صورت نگرفته بود نشان از عمق توجه و اهمیت آیین‌های مختص محلات در نگاه شهروندان دارد که آن را می‌توان یکی از مهمترین وجوه هویت‌بخشی به محلات قدیمی شهر دانست.

معنابخشی و ایجاد حس تعلق به مکان

حس تعلق یا دلبستگی به مکان عموماً پس از آنکه افراد تجربه درازمدت یا قوی با یک مکان داشته باشند، اتفاق می‌افتد و در این فرآیند است که مکان معنا می‌یابد. خاطرات رویدادهای مهم، عوامل فعالیتی و تعاملی، تعاملات انسان با مکان و ویژگی‌های کالبدی فضا از مهمترین عوامل تأثیرگذار در ایجاد حس مکان است (دانشپور، ۱۳۸۸، ۴۵-۴۷). پاسخ ساکنان محلات قدیمی به این سؤال که «بیشتر علاقه‌مند به حضور در کدام فضاهای شهر هستید؟» یا اینکه «از حضور در کدام فضاها احساس آرامش می‌نمایید؟» بیشتر به میدان‌های مرکز محلات معطوف بوده است. وجود بار معنایی قوی متأثر از حضور عناصر خاص و همچنین نحوه برخورد با فضا را می‌توان مهمترین عامل دلبستگی به مرکز محلات برشمرد که حس تعلق به آنها را بیش از سایر فضاهای باز و تفریحی باعث شده است. در این بین بی‌تردید رفتارهای آیینی که بخش مهمی از فعالیت‌های خاص و خاطره‌انگیز فضا را موجب می‌شود نقشی غیرقابل انکار در حس تعلق به فضا دارد. از سوی دیگر چنانچه از پرسش‌نامه‌ها برداشت شد، مردم لاهیجان در هر کجا که باشند سعی دارند که در ایام محرم به شهر بازگردند و در مراسم مربوط به محله خود شرکت نمایند. آنان به اجرای باشکوه‌تر آیین‌ها نسبت به سایر محلات اهتمام می‌ورزند و در تزئین علم‌ها و منظرآرایی میدان‌ها و تکاپای محلات خود به رقابت با سایر محلات می‌پردازند که همگی نشان از احساس تعلق خاطر مردم به زمان و رفتار دارد که پیوندی را بین مردم و مکان اجرای آیین‌ها و محلات ایجاد می‌نماید و نتیجه‌اش حس تعلق به مکان و محله است.

- خوانایی

در پایان پرسش‌نامه ابتدا از شهروندان خواسته شد تا یک کروکی از بافت قدیم شهر ترسیم نمایند و پس از اتمام ترسیم، مکان اجرای آیین‌های جمعی را در نقشه خود نشان دهند. اما به محض درخواست نمایش مکان اجرای آیین‌ها نحوه ترسیم کروکی و محتوای آن عوض می‌شد و افراد گاه نقشه‌ای دیگر را ترسیم می‌نمودند. در نقشه جدید آنان ابتدا محدوده محلات را مشخص کرده سپس به مراکز محلات اشاره نموده و آنها را به یکدیگر متصل می‌کردند.



شکل ۹. روی هم نهی نقشه‌های شناختی شهروندان از محدوده مورد مطالعه و از فضاهای اجرای آیین‌های عاشرای در آن
منبع: نگارندگان

نتایج نشان می‌دهد که فضاها و عناصر آیینی در ذهن شهروندان دارای پیوندی مطلوب، ارتباطی شکل‌یافته و بهره‌مند از بی‌اختاری منسجم است که خوانایی محلات و عناصر آن را در ذهن شهروندان به همراه داشته است. اما هنگامی که شهروندان به راحتی قادر به نشان دادن فضاهای آیینی در نقشه اولیه ترسیمی خود نیستند و یا اقدام به ترسیم نقشه جدیدی نمودند، این مسئله حاکی از آن است که آنها تصور صحیحی از موقعیت فضاهای آیینی نسبت به ساختار شهر ندارند و در پیوند آن با ساختار ارتباطی شهر دچار تردید بوده‌اند و این نشان از ضعف انطباق دو ساختار شکل‌یافته در ذهن شهروندان بر یکدیگر است.

نمادین بودن

در شهر لاهیجان از یکسو حضور بقعه‌ها و تکایا در مرکز محلات به عنوان یکی از شاخص‌ترین عناصر شکل‌دهنده به آنها خود باری معنایی به فضا بخشیده و آن را نمادین می‌نماید. از سوی دیگر «علم» را می‌توان شاخص‌ترین عنصر آیینی نمادین شهر برشمرد. علم‌ها و چلچراغ‌های خاص هر محله در روز معینی از تکایا بیرون آورده می‌شوند و طبق آیینی خاص آراسته می‌گردند و به مدت پنجاه روز در فضای باز میدانچه‌ها به نمایش گذاشته می‌شوند. حضور عنصری نمادین و دربردارنده معانی خاص و پیوند یافته با اعتقادات مردم در واقع بازتاب هویت جمعی آنان بوده و به فضا ارزش و تشخیصی خاص می‌بخشد.



شکل ۱۰. حضور عنصر نمادین علم و چلچراغ در فضای باز مرکز محلات حامل بار معنایی و نمادین برای آنها است
منبع: نگارندگان

منظر آرای و ویژه و رنگ تعلق

ارتباط با زمان و رویداد در وهله اول خود را در منظر آیینی شهر به نمایش می‌گذارد. منظر آرای و ویژه اگرچه خود یک کیفیت بصری به‌شمار می‌آید، اما استفاده از عناصر و رنگ‌های ویژه که در بردارنده معانی و یادآور رویدادی خاص هستند، نقشی اساسی در انتقال معانی و عمق یافتن آن در ذهن شهروندان ایفا می‌نماید. یکی از نکات قابل توجه اهتمام ساکنان محلات در منظر آرای و منحصر به فرد و بهتر محله خویش است تا رنگ تعلق خاص بدان بخشند. وجود و تداوم چنین عملی در دیگر ایام می‌تواند یکی از عوامل به‌وجود آورنده حس تعلق و هویت‌بخشی به مرکز محلات شهر باشد.

آیین‌های جمعی و نظام فعالیتی شهر حضورپذیری و ایجاد قلمرو همگانی

آیین‌های جمعی فرضی مناسب جهت ارتباط و تعامل اجتماعی میان افراد فراهم می‌نماید که به دلیل پیوند با معانی و ارزش‌ها و بهره‌مندی از زمینه‌های مشترک در ورای هدف خود می‌توانند پایدار و ماندنی، بانفوذ و قدرتمند گردند (Fiala, 2009, 29). بررسی‌ها حاکی از آن است که خیابان‌های جدید لاهیجان پس از احداث در میان بافت محلات شهر و جذب فعالیت از آنها به‌عنوان فضایی فعال عمل می‌نمایند و در پشت لایه پرترده آنها و در میان بافت قدیمی شهر، میدانچه محلات به‌گونه منزوی و آرام قرار گرفته‌اند و بر خلاف گذشته در حال حاضر بسیاری از آنها جذابیت خود را تا حد زیادی از دست داده‌اند و فعالیت‌های جمعی از آنها رخت بسته است. اما در این بین، دوره چندروزه برگزاری آیین‌های عاشورایی تنها زمانی است که حضور و فعالیت در فضاهای شهر به حد اعلای خود می‌رسد. مرکز محلات و میدانچه آنها در این دوره زمانی پرجنب‌وجوش‌تر از همیشه است و می‌توان گروه‌های مختلفی از مردم را مشاهده نمود که برای تنظیم اجرای آیین‌ها در فضا حضور دارند و به فعالیتی خاص مشغول‌اند. فضاهای شهر متشکل از خیابان‌ها، مرکز محلات، میدان‌ها و معابر قدیمی شهر که تا پیش از آن هر یک نقش و عملکردی خاص و در سطوح مختلف داشته است، در ترکیب و انسجام با یکدیگر فضایی یکپارچه و منعطف را شکل می‌دهند که بستر فعالیت‌های همگانی اقصا مختلف جامعه است.

آزادی در رفتار و تغییر نحوه فعالیت

در طی اجرای آیین‌های عاشورایی شهر از حالت معمول خود خارج می‌شود. با شروع برگزاری آیین‌ها، کاربری‌های معمول شهر از فعالیت دست می‌کشند و در ایام خاص برگزاری برخی آیین‌ها خیابان‌های اصلی شهر تقریباً از حرکت سواره باز می‌مانند و تمام فضای آنها در اختیار تردد پیاده قرار می‌گیرد. بدین ترتیب حاضران در فضای جمعی می‌توانند به اختیار خود حضوری متفاوت در فضا را تجربه نمایند. همچنین در دوره زمانی مشخص، فعالیت‌های خاصی در شهر بروز می‌کند که مختص آیین‌های شهر است. فروش شمع مخصوص اجرای آیین چهل‌منبر در روز نهم ماه محرم و نیز فروش لوازم مورد نیاز آیین‌های جمعی در دوره چندروزه از این دست به‌شمار می‌رود. ایجاد فعالیت‌های متفاوت در اصلی‌ترین فضاهای شهر خود در عمق یافتن و تشخیص‌بخشی به رویداد و زمان نقشی اساسی ایفا می‌نماید.

مردمی بودن فعالیت‌های آیینی و تقویت محله‌محوری در شهر

سیستم‌های آیینی در شهرهای ایران صدها سال است که به‌عنوان قلب محله کار کرده و درون خود روابطی خودانگیزته ایجاد می‌نموده که بیشترین اعتماد و حس تعلق را در مردم محله به‌وجود می‌آورده است. اگرچه ورود عنصر سیاسی باعث عدم کارکرد سیستم درونی محلات در بسیاری از وجوه برخی از شهرهای ایران شده است، اما در برپایی آیین‌های عاشرایی شهر لاهیجان هنوز چنین سیستمی به حیات خود ادامه می‌دهد. از سوی دیگر در این شهر تقابل و رقابت میان هیئت‌های محلات به‌منظور برگزاری باشکوه‌تر مراسم، استفاده از عناصر نمادین و جلب رضایت مشاهده‌کنندگان بر آیین‌ها وجود دارد و شور و اهتمام اهالی یک محله در اجرای باشکوه‌تر مراسم و صف‌ناشدنی است. همین شور اجتماعی محلات در چند روز از سال کافی است تا هنوز محلات در لاهیجان دارای نظام خاصی باشند. چنین تضاد و تقابلی گرچه فی‌نفسه مطلوب به‌نظر نمی‌رسد، اما می‌تواند سبب ایجاد اتحاد بین محله‌ای و زمینه‌ساز تقویت بسیاری از کارکردهای محله باشد.

ایجاد مشارکت و وحدت جمعی در شهروندان

آیین‌های عاشرایی یک فرآیند چندروزه از مشارکت گسترده و عمیق در میان شهروندان بوده و در بین محلات شهر، افراد گروه‌های مختلف نقش و مسئولیتی خاص می‌پذیرند تا اجرای مراسم به‌گونه‌ای باشکوه‌تر برگزار گردد. عموماً چند تن از بزرگان هر محله مسئولیت نظارت بر فعالیت هیئت‌ها، جوانان و وظیفه برنامه‌ریزی اجرای آیین‌ها و تجربه یک کار گروهی مشترک در سطح یک محله را هرچند اندک و موقتی بر عهده می‌گیرند. حضور و فعالیت زنان در اجرای آیین‌ها نیز علاوه بر برپایی جلسات ویژه، انجام برخی وظایف آیین علم‌بندی و ساخت شمع برای اجرای آیین چهل‌منبر است. کودکان نیز در این مراسم سهمی می‌یابند به‌گونه‌ای که علم و چلچراغ خاص خود را داشته و به‌صورت جداگانه اجرای آیین‌ها را در مقیاسی کوچک‌تر تجربه می‌نمایند. بدین ترتیب حضور و نقش‌پذیری گروه‌های مختلف از اقشار متفاوت جامعه در کنار رعایت نظم و توالی در انجام امور و هماهنگی با یکدیگر، خود زمینه‌ساز ایجاد وحدت جمعی در محلات شهر است که به‌نوعی می‌تواند تمرینی برای یادگیری نظم، وحدت و مشارکت در کلیه امور مربوط به محله باشد و پای خود را از انجام فعالیت‌هایی آیینی فراتر نهد.

نتیجه‌گیری

آیین یک پدیده فضایی و به تبع آن پدیده‌ای شهری بوده و بررسی‌های انجام شده حاکی از تعامل آیین‌های جمعی با سه مؤلفه اصلی شهر یعنی کالبد، معنا و فعالیت است. در نمونه مورد مطالعه شهر لاهیجان از بعد کالبد، عملکرد آیینی فضا را می‌توان یکی از عوامل مکان‌یابی فضا و عناصر شهری و عاملی بر تقویت سازمان فضایی آن دانست. از بعد معنا، آیین‌های جمعی سبب ایجاد فضاهایی خاطره‌انگیز شده و یکی از عوامل هویت‌بخشی و معنادهی به شهر، محلات و فضاهای آن به‌شمار می‌آید. از بعد فعالیت، حضور همگانی اقشار متفاوت جامعه، آزادی در رفتار و ایجاد فعالیت‌های خاص تجربه متفاوتی را از حضور در فضا موجب می‌گردد. مردمی بودن آیین‌های جمعی و حس اتحاد بین محله‌ای، حضور گروه‌های مختلف، تقسیم کار و تجربه فعالیت‌های گروهی در اجرای آیین‌های جمعی نشان از وحدتی جمعی و تمایل به مشارکت در انجام فعالیت‌های آیینی دارد.

در نتیجه می‌توان چنین برداشت نمود که اثرات منبعت از آیین‌های جمعی از مهمترین و اصلی‌ترین معیارهای کیفیت‌بخشی به فضای شهری به‌شمار می‌آیند که خود از جمله اهداف اصلی طراحی هر فضای جمعی محسوب می‌شوند. پس باید در نظر داشت اگرچه آیین خود پایان می‌پذیرد اما اثرات مثبت و کیفیت‌بخش آن می‌تواند با ارائه راهکارهای صحیح طراحانه و مدیریتی در فضاهای شهری متداوم و ماندنی گردد. لازم به ذکر است که آیین‌های جمعی طی سالیان متمادی در شهرهای سنتی ایران اجرا گردیده و در آن جایگاهی ویژه یافته‌اند، اما امروزه تنها بستر اجرای مراسم نیستند. در شهر امروزین گسترش اجرای آیین‌ها در بخش‌های جدید شهر و در کلیه فضاهای آن محسوس است و از این‌رو توجه به فعالیت‌های آیینی در طراحی و ساماندهی تمامی فضاهای جدید شهر ضروری می‌نماید. همچنین باید اشاره نمود که شهرهای کشور و مردمان آن هنوز پذیرای آیین‌های باستانی، آیین‌های بومی و محلی و سایر آیین‌های خاص مناطق هستند که متأسفانه علی‌رغم تأثیرات گسترده این آیین‌ها بر فضای اجتماعی، اقتصادی و ادراکی شهر و صرفاً به خاطر پیامدهای ناخواسته در حال رنگ باختن هستند. با حذف چنین رفتارهایی که ریشه در باورها و احساسات و تجربه‌های تاریخی و فرهنگی مردمان دارد، بسیاری از نیازهای روانی و اجتماعی آنها بی‌پاسخ خواهد ماند. بنابراین توجه خاص این قبیل فعالیت‌های ارزشمند جمعی و ارائه راهکارهای برنامه‌ریزانه، مدیریتی و طراحانه جهت ماندگاری و اثربخشی این دسته از آیین‌ها ضروری می‌نماید.

پایان یافته داندود مقالات دانشگاه هنر
Journal.art.ac.ir

فهرست منابع

- ادیب عباسی، منصور (۱۳۸۲) شهر من لاهیجان، نگرشی تاریخی، سیاسی، اجتماعی از سیمای لاهیجان، انتشارات شادمان، لاهیجان.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱) معماری و راز جاودانگی: راه بی‌زمان ساختن، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۲) رساله‌ای در تاریخ ادیان، مترجم جلال ستاری، انتشارات سروش، تهران.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۵) مقدس و نامقدس، ترجمه نصرالله زنگوئی، انتشارات سروش، تهران.
- الیاده، میرچا و دیگران (۱۳۸۸) اسطوره و آیین از روزگار باستان تا امروز، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، نشر اسطوره، تهران.
- امین‌زاده، بهرام (۱۳۸۶) «بازشناسی اثر آیین‌های جمعی بر پیکره‌بندی شهر سنتی؛ مطالعه موردی: سمنان»، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، شماره ۳۲، صص. ۱۳-۵.
- بیکن، ادmond (۱۳۸۶) طراحی شهرها، ترجمه فرزانه طاهری، انتشارات مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۹) سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، جلد دوم: از کمیت تا کیفیت، انتشارات آرمانشهر، تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۹) سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، جلد سوم: از فضا تا مکان، انتشارات آرمانشهر، تهران.
- حبیب و دیگران (۱۳۸۸) «رویکردی تحلیلی به تعامل بین آیین‌های جمعی و ساختار کالبدی شهرهای ایرانی (نمونه موردی شهر زنجان)»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۹، صص. ۱۱۷-۱۲۶.
- دانشپور، سید عبدالهادی و دیگران (۱۳۸۸) «تبیین مدل دل‌بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۸، صص. ۴۸-۳۷.
- دریاگشت، محمدرسول (۱۳۷۹) «آیین‌های سوگ محرم در لاهیجان»، نشریه کلک.
- دورک‌هایم، امیل (۱۳۸۳) صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، نشر مرکز، تهران.
- راپاپورت، آموس (۱۳۶۶) منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، انتشارات جهاددانشگاهی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- رودنبولر، اریک. دبلیو (۱۳۸۷) ارتباطات آیینی: از گفتگوهای روزمره تا جشن‌های رسانه‌ای شده، ترجمه دکتر عبدالله گیویان، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تهران.
- ریسمانچیان، امید، سایمون بل (۱۳۸۹) «شناخت کاربردی روش چیدمان فضا در درک پیکره‌بندی فضایی شهرها»، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، شماره ۴۳، صص. ۵۶-۴۹.
- زیته، کامیلو (۱۳۸۵) ساخت شهر بر اساس مبانی هنری، ترجمه فریدون قریب، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- عباس‌زادگان، مصطفی (۱۳۸۱) «روش چیدمان فضا در فرآیند طراحی شهری، با نگاهی به شهر یزد»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۹، صص. ۷۵-۶۴.
- غراب، ناصرالدین (۱۳۸۳) «آیین: حقیقت خاموش»، ماهنامه شهرداری‌ها، سال پنجم، شماره ۵۹، صص ۱۷-۱۹.
- قربانی لاهیجی، صدرالدین (۱۳۷۵) پیشینه تاریخی و فرهنگی لاهیجان و بزرگان آن، نشر سایه، تهران.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۷) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.
- گل، یان (۱۳۸۷) زندگی در فضای میان ساختمان‌ها، ترجمه شیما شصتی، سازمان انتشارات جهاددانشگاهی، تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.
- لینچ، کوین (۱۳۸۱) تئوری فرم شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- مسعودی‌نژاد، رضا (۱۳۸۸) «پویایی آیین عاشورا در شهرهای ایران در طی دگرگونی مدرن»، فصلنامه پل فیروزه، شماره ۱۸، صص. ۸۳-۹۲.
- مشکلانی، نازنین (۱۳۹۰) طراحی شهری محور فرهنگی و آیینی سی‌تیر (قوام‌السلطنه)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- موریس، جیمز (۱۳۸۵) تاریخ شکل شهر: تا انقلاب صنعتی، ترجمه راضیه رضازاده، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

- مهندسین مشاور بعد تکنیک (۱۳۸۷) طرح ساماندهی بافت قدیم لاهیجان.
- نصیری کامران، حسین (۱۳۸۸) گردشگری شهری راهبردی برای توسعه پایدار شهرها؛ نمونه موردی منطقه شهری و حوزه نفوذ لاهیجان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده معماری و شهرسازی.
- نقی زاده، محمد و امین زاده، بهرام (۱۳۸۲) «مراسم محرم و شکل گیری سازمان فضایی روستاهای برزرو» نشریه مسکن و انقلاب، شماره ۱۰۲، صص. ۱۲-۲۹.
- نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۶) معنا در معماری غرب، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۴) مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی، ترجمه محمود امیر یاراحمدی، نشر آگه، تهران.
- نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۱) هستی، فضا، معماری، ترجمه محمدحسن حافظی، انتشارات تهران، تهران.
- هال، ادوارد تی (۱۳۷۶) بعد پنهان، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- Bocock, R. (1974) *Ritual in industry society*, Allen and Ynwin, London.
- Bornberg, Renate (2007) "Categorising public open space," *Journal of Comparative Cultural Studies in Architecture*, Vol. 1, 43-54.
- Burchhardt, Titus (1960) *Siena: The City of the Virgin*, Oxford University Press, New York.
- Douglas, M. (1968) *The Component of Ritual*. In *New Blackfriars*, June, 475-482.
- Drechsler, Wolfgang (2006) *The Contrade, The Palio, And The Ben commune: Lessons from Siena*, Tallinn University of Technology, Trames.
- Durkheim, E. (1956) *Education and sociology*, Glencoll, Free Press.
- Egli, Emil and Muller, Hans Richard (1959) *Europe from the air*, W. Funk, New York.
- Fiala, Jashua Charles (2009) *Humanizing The City: Festivals as a Human Adaptation of Public Space*, Massachusetts Institute of Technology Press.
- Gutschow, Neils (1980) *Squares of the Bhakhtapur*, AARP Vol. 17- ritual space in India, 4-17.
- Halprin, Lawrence (1972) *Cities*, The MIT Press, Massachusetts.
- Jackson, Philippa and Fabrizio Nevola (2006) "Beyond the Palio: urbanism and ritual in Renaissance Siena," *Journal compilation: The Society for Renaissance Studies*, Vol. 20 No. 2, 137-146.
- Kanekar, A. Arati. K (1992) *Celebration of place; Processional Rituals and Urban Form*, Massachusetts Institute of Technology, Department of Architecture.
- Parke, H. W. (1977) *Festivals of the Athenians*, Ithaca and London.
- Parkin, D (1992) *Ritual as Spatial Direction and Bodily Division*, in Decoppet (Ed.), *Understanding Ritual*, London, New Fetter Lane: Routledge.
- Turner, Victor (1966) *The Ritual process: structure and anti-structure*, Cornell paperbacks, Cornell University Press, Ithaca, New York.
- Turner, Victor (1984) *The Anthropology of performance*, Performing Arts Journal Publications, New York.